

تعارض قوانین در قراردادهای در حقوق موضوعه ایران

رضا حسن نژاد عمرانی^۱

^۱ کارشناسی حقوق موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش

چکیده

یکی از مباحث مهمی که ممکن است درباره قراردادهای مطرح شود، بحث تعارض قوانین و انتخاب قانون حاکم است. از آن جهت که امکان انعقاد این نوع قرارداد در سطح گسترده و فراملی وجود دارد، طرح چنین مباحثی کاملاً توجیه می‌گردد؛ زیرا اگر خریدار و فروشنده، هر یک در کشوری جدا از هم ساکن باشند، اولین مسئله‌ای که مطرح می‌شود، این است که کدام قانون بر رابطه قراردادی ایشان اعمال خواهد شد. البته، تعیین مقررات داخلی یک کشور با عنوان کلی قانون حاکم لزوماً مساوی با حکومت آن بر تمام جنبه‌های قرارداد نیست؛ زیرا امکان دارد دادگاه‌ها از اجرای کلی یا جزئی قانونی که به موجب تراضی طرفین یا قواعد حل تعارض بر قراردادی شناخته شده است، به بهانه یا به دلیل مخالفت آن با نظم عمومی، قواعد آمره و ... خودداری نمایند. در قراردادهای تعارض قوانین در صورت وجود عنصر خارجی در آن قرارداد مطرح می‌شود و قواعد تعارض قوانین که از جمله قواعد ملی یک کشور است، توسط دادگاه‌ها به کار گرفته می‌شود تا از اختلافات قراردادی موجود حل و فصل شود. حقوق ایران در زمینه قانون حاکم بر قراردادهای دو قاعده حل تعارض در ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بین‌المللى دارد. طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی فقط در فرضی که هر دو طرف قرارداد اتباع خارجی باشند، امکان انتخاب قانون توسط آن‌ها وجود دارد. لذا اتباع ایرانی یا یک ایرانی و یک خارجی چنین حقی را ندارند، اما طبق ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بین‌المللى در صورت ارجاع اختلافات ناشی از این قرارداد به داورى، طرفین آن حق انتخاب قواعد حقوقی حاکم بر ماهیت اختلاف خود را دارند و این موضوع فقط محدود به طرفین خارجی معامله نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: تعارض قوانین، قراردادهای اصل حاکمیت اراده، تعهد ناشی از قرارداد، قانون حاکم بر قرارداد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تعارض قوانین در قراردادهای به طور خاص موضوعی مهم و ویژه است، خصوصاً در دهه‌های اخیر که تجارت بین‌المللی توسعه فراوان یافته است این موضوع از علم حقوق در اغلب عهدنامه‌های بین‌المللی و قانون‌گذاری‌های داخلی مورد توجه خاص دولت‌ها قرار گرفته است. هنگامی که دادگاه‌های یک کشور با رابطه‌ای مربوط به حقوق خصوصی که در آن حداقل یک عنصر خارجی وجود دارد مواجه می‌شوند موضوع تعارض قوانین مطرح می‌گردد. به عبارتی دیگر مسئله تعارض قوانین زمانی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوق خصوصی به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند که در چنین مواردی باید دانست قانون کدام یک از کشورها بر رابطه حقوقی مورد نظر حکومت دارد. (الماسی، ۱۳۹۳: ۱۷) در این راستا به نظر می‌رسد تعارض قوانین، علمی مشتمل بر مجموعه قواعدی است که به واسطه آن اصول و قواعد می‌توان قانون حاکم بر دعوی حقوق خصوصی که به دلیل وجود عناصر مختلف مانند تابعیت و اقامتگاه به دو یا چند کشور می‌شوند را تشخیص داد. تعارض قوانین از اهم مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی است و هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوق خصوصی به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند. در چنین مواردی باید تشخیص داد قانون کدام یک از کشورها بر رابطه حقوقی مورد نظر حکومت خواهد کرد. همانگونه که قواعد ماهوی مربوط به قرارداد در کشورهای مختلف متفاوت و متنوع است، قواعد تعارض قوانین مربوط به قراردادها نیز می‌تواند از یک کشور به کشور دیگر در تغییر باشد و واضح است که منشأ این تغییرات در تفاوت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها است. (افضلی مهر و وحدتی شبیری، ۱۳۹۵: ۳۰) بنابراین تعارض قوانین دخالت یک یا چند عامل خارجی است. با این توضیح اگر یک رابطه حقوقی تنها به یک کشور مربوط شود چنانچه اگر طرفین یک قرارداد از اتباع یک کشور باشند و محل انعقاد و محل اجرا نیز در همان کشور انجام پذیرد این رابطه تابع حقوق داخلی همان کشور خواهد بود چرا که هیچ عامل خارجی در آن دخالت ندارد، اما همین که یک عامل خارجی در یک رابطه حقوقی دخالت داشته باشد در این صورت با مسئله تعارض قوانین مواجه خواهیم بود. (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۱۴) اما در خصوص تعارض قوانین در قراردادها که از همان دوره مکتب قدیم شروع شده، سه نظریه غالب مطرح بوده است: ۱) حاکمیت قانون محل قرارداد یا تشکیل قرارداد ۲) حاکمیت قانون محل اجرای قرارداد ۳) حاکمیت قانون کشور متبوع طرفین، که این نظریه‌ها به گونه‌ای قواعد حل تعارض قوانین مربوط به قراردادها را در کشورهای مختلف ساخته و هرکدام خود یک قاعده شده‌اند. هر کشور با تحلیل‌های خاص خود و در نظر گرفتن انگیزه‌های سیاسی و یا مرکز ثقل قرارداد و جو اقتصادی تجاری که قرارداد در آن قرار داشته از هرکدام نظریاتی که برای خود مناسب‌تر می‌دانسته پیروی می‌نموده است. پذیرش هر یک از این تئوری‌ها اگرچه باعث می‌شود وضعیت حقوقی قرارداد، بهتر قابل پیش‌بینی باشد و ثبات و اطمینان بیشتری بر قرارداد حکمفرما گردد، اما جایی برای استدلال اراده طرفین باقی نمی‌گذارد. (نیکبخت، ۱۳۸۴: ۷-۷)

(۵۱) نظام حقوقی ایران در زمینه تعارض قوانین در قراردادها با توجه به مواد ۹۶۶ تا ۹۶۸ قانون مدنی از جمله نظام‌های غیرمنعطف و سخت محسوب می‌شود. در ماده ۹۶۸ قانون مدنی توجه خاصی به اتباع خارجی شده است چراکه فرض بر این است که اتباع خارجی احتمالاً تمایل ندارند قراردادشان حتی اگر در ایران منعقد کرده اند، تابع قانون ایران باشد که طبق این ماده آنان می‌توانند با اراده صریح یا ضمنی قراردادشان را تابع قانون دیگری بدانند. (صادقی صدیق، ۱۳۹۷: ۲۷۸) بنابراین در این مقاله تعارض قوانین در قراردادها در حقوق موضوعه ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- شیوه‌های موجود در خصوص تعیین قانون حاکم بر قراردادها

بحث از تعارض قوانین جایی خواهد بود که در یک رابطه حقوقی عاملی خارجی دخالت داشته باشد. به عبارت دیگر زمانی تعارض در قوانین مطرح می‌شود که عوامل تشکیل دهنده یک رابطه حقوقی به طور کامل به یک نظام حقوقی مرتبط نبوده و عنصر خارجی باعث می‌شود که این رابطه حقوقی به بیش از یک نظام حقوقی مرتبط شود. این موضوع در قراردادهای تجاری و بازرگانی بین‌المللی بسیار محسوس بوده و مبتلا به تقریباً تمام کسانی است که در این زمینه فعالیت دارند. در قراردادهای تجاری اکثر اوقات وجود عامل خارجی به آن رنگ بین‌المللی بودن می‌دهد از جمله محل وقوع مورد معامله در کشور دیگر، محل تجارت طرفین در دو کشور متفاوت و اموری از این دست. با توجه به مسئله حقوق و تکالیف طرفین در این قراردادها که اکثراً نتایج اقتصادی قابل توجهی در بردارد، باید دید که کدام قانون یا نظام حقوقی حاکم بر این رابطه خواهد بود. در اینجا است که با توجه به بین‌المللی بودن قرارداد به علت وجود عاملی خارجی، مسئله تعارض قوانین مطرح می‌شود و لذا واضح است که تعارض قوانین در مفهوم حقوق بین‌الملل خصوصی، شامل قراردادهای داخلی نمی‌شود. موضوع شیوه تعیین قانون حاکم بر قراردادها در تعارض قوانین همواره مورد بحث و اختلاف حقوقدانان بوده است. در این زمینه آنچه که بیشتر از سایر گفته‌ها مورد بحث و مجادله بوده است دو روش در خصوص تعیین قانون حاکم بر قرارداد است: الف) روش عینی یا جزمی ب) روش حقوقی یا انتخاب مناسب. در روش عینی یا جزمی ابتدا یک مسئله اصلی یا عقیده جزمی مورد قبول قرار می‌گیرد و نظریات کلی بر روی آن بنا نهاده می‌شود. در واقع به اعتقاد طرفداران این روش حقوق بین‌الملل خصوصی ماهیت سیاسی دارد، یعنی این رشته حقوقی را عوامل سیاست بین‌الملل آنچنان احاطه کرده که جنبه حقوقی آن تحت شعاع جنبه سیاسی است. لذا در این روش ملاحظات سیاسی بر ملاحظات حقوقی مقدم است. روش حقوقی یا انتخاب مناسب برای تعیین قاعده نسبت به حل تعارض فقط جنبه علمی نظری مدنظر قرار می‌گیرد. در حقیقت بر خلاف روش عینی آنچه برای پیروان روش حقوقی مهم است این است که قاعده‌ای که برای حل تعارض انتخاب می‌شود از لحاظ علمی و نظری یک قانون مناسب باشد. (الماسی، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۵) اما امروزه این روش به این شکل و مفهوم مورد توجه نبوده و تغییراتی پیدا کرده و در حال حاضر شیوه حاکمیت اراده در تعیین

قانون حاکم بر قراردادهای در اکثر نظام‌های ملی و اسناد حقوقی بین‌المللی پذیرفته شده و محدودیت اراده طرفین با روش عینی توجیه می‌شود.

۲- نحوه تعیین قانون حاکم بر قراردادها

در حقوق ایران در خصوص تعهدات ناشی از قرارداد، به موجب ماده ۹۶۸ قانون مدنی چنین مقرر شده که در فرض فقدان تعیین قانون حاکم توسط طرفین، قرارداد، تابع قانون محل انعقاد باشد. همچنین در خصوص قانون حاکم بر اعتبار قرارداد، اگرچه نص صریحی وجود ندارد، اما می‌توان در این مورد از ماده ۵ قانون مدنی برای کشف قانون حاکم بر ایجاد و اعتبار قرارداد استفاده نمود. به موجب این ماده کلیه سکنه اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. این ماده حاوی اصل محلی بودن قوانین در روابط بین‌المللی (اصل سرزمینی بودن قوانین) است. در مقام حل تعارض قوانین، هر جا که در اجرای قانون ایران یا قانون خارجی تردید باشد، اصل بر اجرای قانون ایران درباره ساکنان اعم از ایرانی و خارجی است. لذا در مرحله ایجاد عقد، اگر عقد در ایران منعقد شود، طبق اصل مقرر در این ماده باید قانون ایران را حاکم بدانیم؛ یعنی قانون محل انعقاد عقد را بر شرایط ایجاد عقد حاکم بدانیم. ماده ۹۶۸ قانون مدنی قائل به امری بودن قاعده حل تعارض است و آن بر خلاف منطوق حقوقی است و مشکلاتی را در روابط بین‌المللی به وجود می‌آورد یعنی اینکه قاعده حل تعارض فقط در مورد قراردادهای منعقد در ایران قابل اجراست و اینکه چون قراردادهای منعقد در خارج الزاماً تابع قانون کشور محل انعقاد عقد است، لذا اتباع ایران بر طبق این ماده حق نخواهند داشت تعهدات ناشی از قراردادهای خود را تابع قانون ایران قرار دهند. برای رفع این مشکلات باید بپذیریم که قاعده مندرج در ماده ۹۶۸ قانون مدنی جنبه اختیاری دارد یعنی متعاقدين حق دارند قانون حاکم بر تعهدات قراردادی خود را در حدود قوانین امری، خود انتخاب کنند. (صادقی صدیق، ۱۳۹۷: ۲۸۶) در اینجا ذکر چند نکته لازم است:

۱- اگر قانون به نظم عمومی مربوط باشد، درباره همه ساکنان و بدون توجه به قانون خارجی اجرا خواهد شد. ۲- از جمله استثنائاتی که بر این ماده وارد است، تشخیص اهلیت متعاملین است. طبق ماده ۷ قانون مدنی ایران اهلیت متعاملین تابع قانون دولت متبوع ایشان است. لذا در مرحله ایجاد قرارداد در خصوص وجود یا فقدان اهلیت متعاملین باید قانون دولت متبوع آن‌ها را دید، نه الزاماً قانون ایران را. ۳- موضوع دیگر مسئله مشروعیت معامله است. بر خلاف موضوع اهلیت، در قانون مدنی ایران در خصوص مشروعیت مطلبی به میان نیامده است. علت عدم تصریح بدیهی بودن مسئله و لزوم مشروعیت معامله از دید قانون ایران است. (الماسی، ۱۳۸۸: ۳۴۵) اگر قرارداد در ایران منعقد شود باید با استناد به ماده ۵ قانون مدنی ایران مشروع باشد و اگر قرار است قرارداد در خارج اجرا شود باید با استناد به قاعدهی نظم عمومی طبق قانون آن کشور مشروع باشد. چرا که قرارداد در

صورتی در کشور خارجی قابل اجرا است که مخالف نظم عمومی آن کشور نباشد، همان گونه که اجرای قراردادهای خارجی در داخل نباید مخالف نظم عمومی باشد. با توجه به مطالب فوق الذکر در این مبحث بررسی خواهیم کرد که انتخاب قانون حاکم بر قراردادها چگونه صورت می‌گیرد؟ با فرض پذیرش اراده طرفین، در صورتی که نشانه و دلالتی بر قصد و اراده آن‌ها در قرارداد وجود نداشته باشد، چه قانونی بر قرارداد حاکم خواهد بود و طریقه یافتن این قانون چگونه است؟

۱-۲- انتخاب صریح

قانون حاکم بر قرارداد را می‌توان به طور صریح و به صورت یک شرط در قرارداد ذکر نمود. اراده صریح طرفین، معمولاً نیازمند تفسیر نیست. لذا از جمله مهمترین و بهترین طرق تعیین قانون حاکم بر قرارداد، انتخاب صریح می‌باشد؛ چه بسا تفاسیر ناصواب، سبب بروز آثار و نتایجی شود که هم با قصد و غرض طرفین قرارداد مطابقت نداشته باشد و هم تعذرات گوناگون را برای طرفین تحمیل نماید. عبارت ذیل نمونه‌ای از شرط صریح انتخاب قانون حاکم بر قراردادها است: «قانون حاکم بر این قرارداد و همچنین قانون حاکم بر تفسیر آن، قانون کشور فرانسه است.» انتخاب صریح در کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به عنوان نخستین راه حل برای تعیین قانون حاکم پذیرفته شده است. توافق صریح طرفین می‌تواند شفاهی یا به صورت نوشته اعم از کاغذی و الکترونیکی باشد. وجود شرط صریح انتخاب قانون حاکم، دادرس را از رجوع به دیگر عوامل جهت تعیین قانون حاکم بر قرارداد بی‌نیاز می‌کند. وقتی بند صریح انتخاب قانون در قرارداد درج می‌گردد، این بند باید حتی الامکان بدون ابهام باشد و همه جنبه‌های قرارداد و دعوا یا همه موضوعاتی را که در بر خواهد گرفت، مشخص نماید. در بعضی از قراردادها، طرفین مقرراتی از قانون خارجی را به عنوان شرط یا شروطی در قرارداد درج می‌نمایند. این اقدام را نباید انتخاب صریح قانون حاکم دانست. مثلاً در یک قرارداد بیع، طرفین توافق می‌کنند که مسئولیت فروشنده در مقابل خریدار مطابق مواد مربوط از قانون مدنی تعیین خواهد شد. در اینجا منظور این نیست که قانون ایران، قانون حاکم بر قرارداد باشد، بلکه منظور، درج موادی از قانون مدنی ایران به عنوان شروط ضمن عقد در قرارداد می‌باشد که مثلاً قانون حاکم آن، قانون فرانسه است. این طریق در واقع راه کوتاه و سهل‌تر درج موادی از قانون مدنی ایران در قرارداد به جای نوشتن کلمه آن مواد می‌باشد. (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

۲-۲- انتخاب ضمنی

هنگامی که قانون حاکم بر قرارداد به طور ضمنی انتخاب شود، باید به موجب اوضاع و احوالی که قرارداد در آن شکل گرفته است، قانون حاکم استنباط شود. انتخاب ضمنی قانون حاکم در کنوانسیون ۱۹۸۰ رم راجع به قانون حاکم بر تعهدات قراردادی اجازه داده شده است و مطابق با بند ۱ ماده ۳ «انتخاب قانون باید صریح بوده یا به طریقی مطمئن، از مفاد قرارداد یا اوضاع و

احوال قضیه استنباط شود.» برخی از قرائنی که می‌تواند در تشخیص قانون منتخب طرفین به مرجع رسیدگی، کمک کند عبارتند از: ۱- استفاده از قرارداد نمونه یک ارگان یا موسسه معین یا قراردادی که در حوزه قضایی مشخصی به کار می‌رود که می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه طرفین خواسته‌اند قانون کشور متبوع ارگان یا مؤسسه مذکور یا حوزه قضایی مورد نظر بر رابطه آنان حاکم باشد. به عنوان مثال، اگر در معاملات الکترونیکی، از قرارداد نمونه استفاده شده و چنین قراردادی در خطوط اینترنت کشور هلند به کار گرفته شود، در این صورت، دادگاه ممکن است چنین استنباط نماید که طرفین، قانون هلند را انتخاب کرده‌اند. ۲- هرگاه متعاملین، در قرارداد مشابه قبلی خود، صلاحیت قانون خاصی را قبول کرده باشند، می‌توان چنین تعبیر و تفسیر کرد که همین قانون در قرارداد دیگر ضمناً مورد توجه قرار گرفته است؛ ۳- ارجاع به یک قانون در یکی از بندهای قرارداد؛ ۴- شرطی که بدون تصریح به قانون حاکم، دادگاه معینی را صالح می‌داند. به عنوان مثال، هرگاه متعاملین به صلاحیت محاکم کشور خاصی توافق کنند، عموماً این توافق، به منظور قبول قانون همان کشور تلقی می‌گردد هرچند این مورد، باید همراه با سایر قرائن و امارات و اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد در نظر گرفته شود. (نصیری، ۱۳۸۳: ۹۳) ۵- اشاره به یک نظام قانونی خاص. اگر طرفین در یک قرارداد به مقررات قانونی‌ای که مختص یک نظام حقوقی خاص است اشاره کند، دادگاه می‌تواند قوانین آن نظام حقوقی را به عنوان انتخاب ضمنی قانون حاکم در نظر بگیرد.

۲-۳- انتخاب فرضی

هرگاه قاضی با تحلیل شرایط توافق و اوضاع و احوال مربوط به قرارداد در مقام تعیین قانون مورد نظر متعاملین یا قانونی که مبنای انعقاد عقد واقع شده است، برآید، معمولاً اصطلاح اراده فرضی به کار می‌رود. در روش انتخاب فرضی چنین فرض می‌شود که در موقع مذاکره برای انعقاد عقد، قانون خاصی مورد نظر بوده است، ولی متعاملین حتی ضمناً نیز به این قانون اشاره نکرده‌اند. درباره مواردی که طرفین در خصوص قانون حاکم بر قراردادشان چیزی تصریح نکرده‌اند و نمی‌توان از اوضاع و احوال مربوط به قرارداد نیز اراده ضمنی آن‌ها احراز نمود، دو نظریه وجود دارد: ۱) نظریه قابل انعطاف: طبق این نظریه، دادگاه باید با لحاظ کردن تمام اوضاع و احوال مربوط به قرارداد، قانون حاکم را از سوی طرفین، انتخاب و بر قرارداد اعمال نماید. (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۹۹) این وظیفه دادگاه است که با یافتن قصد فرضی طرفین، قانون قابل اعمال را انتخاب کند. به بیان دیگر، اگرچه طرفین به طور صریح یا ضمنی قانون قابل اعمال را انتخاب نکرده‌اند، اما با توجه به این اصل که هر قراردادی باید در احاطه یک نظام قانونی باشد، این قصد را داشته‌اند که قانون خاصی بر قراردادشان حاکم باشد. این قصد به طور صریح یا ضمنی در قرارداد ذکر نشده است. لذا دادگاه چنین فرض می‌کند که قانونی را که خود انتخاب کرده، همان انتخاب مدنظر طرفین است. در این راستا، دادگاه خود را در موقعیت طرفین فرض می‌کند و با توجه به منافع و مصالح آن‌ها قانونی را برگزیده و آن را به عنوان قانون

حاکم بر قرارداد اعمال می‌نماید. ۲- نظریه غیر قابل انعطاف: طبق این نظریه، قانون ملی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی، قانون حاکم بر قرارداد را در صورت فقدان انتخاب طرفین، به طور مستقیم مشخص می‌کنند و در واقع، قانون، به طرفین تحمیل می‌شود. در این روش، قانون حاکم، قانون منتخب طرفین نیست، اما فرض می‌شود که آن‌ها با عدم انتخاب قانون، تلویحاً حکم قانون یا کنوانسیون را که تعیین کننده قانون حاکم است پذیرفته‌اند. در این حالت، قانون یا کنوانسیون تصریح دارد که مثلاً چنانچه قانون حاکم به صراحت یا ضمناً توسط طرفین انتخاب نشده باشد، قانون معینی بر قرارداد حاکم خواهد بود.

۳- اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر قراردادها

قلمرو محدودیت‌های وارد بر اصل حاکمیت اراده در نظام‌های حقوقی مختلف بستگی به ملاحظات سیاسی و منافع و مصالح عمومی آن نظام حقوقی دارد. در رابطه با قراردادهای بین‌المللی، اصل حاکمیت اراده طرفین در تعیین قانون حاکم بر قرارداد رعایت می‌شود. به قانون منتخب، در اصطلاح «قانون حاکمیت اراده» اطلاق می‌شود. به این ترتیب تعارض قوانین که در قراردادهای بین‌المللی شایع است، بدون مراجعه به عوامل ارتباط ثابت و پیش‌بینی شده مانند محل انعقاد یا اجرای عقد، از طریق توافق طرفین بر سر قانون حاکم بر رابطه خود، رفع می‌گردد. در اکثر نظام‌های حقوقی، منوط به شرایطی کم و بیش مشابه، توافق طرفین را در رابطه با قانون حاکم به مرجعی که رسیدگی به اختلاف آنان را به عهده دارد، اعم از قاضی یا داور تحمیل می‌شود. در چنین حالتی، آنچه بین قرارداد و قانون ارتباط برقرار می‌کند، اراده طرفین است که در قالب توافق مذکور بیان می‌شود. اصل حاکمیت اراده به تدریج در حقوق کشورهای مختلف وارد شد. در کشورهایی مانند فرانسه که این اصل به صورت قانون پذیرفته نشده است، رویه قضایی بدون اینکه برای توجیه مطلب، خود را مواجه با مشکلی ببیند، مبنای تصمیم خود را همین اصل قرار داده و صریحاً اظهار نظر می‌کند: قانون صلاحیت‌دار در مورد قراردادها، چه قانون حاکم بر ایجاد و چه قانون حاکم بر تأثیر و شرایط قرارداد، قانونی است که متعاملین انتخاب کرده‌اند. (نصیری، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰)

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد مشخص می‌شود قواعد حل تعارض در مورد قراردادها شامل آن دسته از قواعد قانون ملی یک کشور است که دادگاه‌های همان کشور آن‌ها را به کار می‌برند تا دعوی که در آن عنصر خارجی وجود دارد حل و فصل نمایند. این قواعد مشخص خواهند کرد که دادگاه‌ها که باید به طور معمول قواعد اساسی یا ذاتی قانون ملی را بر دعوا اعمال نمایند، در صورتی قواعد قانونی کشور خارجی را بر دعوی مورد بحث اعمال خواهند نمود که قواعد حل تعارض این اجازه را به دادگاه رسیدگی کننده داده باشد. پس این قانون ممکن است قانون کشور مقر دادگاه و یا قانون (سیستم حقوقی) کشور خارجی باشد،

لذا دادگاه‌های یک کشور تنها بر تجویز قواعد تعارض قانون ملی ممکن است، قانون خارجی را بر دعوای مطروحه اعمال نماید. در حقوق ایران ماده ۹۶۸ قانون مدنی قاعده حل تعارض در خصوص قراردادهای می‌باشد که ماده‌ای امری است و قاعده قانون محل انعقاد قرارداد را برگزیده است، مگر در موردی که طرفین قرارداد اتباع خارجی باشند. بنابراین اصل حاکمیت اراده را مانند سایر سیستم‌ها نپذیرفته است. از طرفی ماده ۷۲ قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران اصل حاکمیت اراده را هم سو با رویه بین‌المللی مورد پذیرش قرارداد است و آن را محدود به افراد یا اتباع کشوری خاص نکرده است. بنابراین یکی از راه‌های پیشگیری تعارض قوانین در قراردادها، انتخاب قانون قابل اعمال در هنگام تنظیم قرارداد می‌باشد که این انتخاب طبق معاهدات باید از میان قوانین دولتی به صورت صریح و واضح انتخاب شود. البته این معاهدات سایر قواعد را نیز منع نکرده‌اند و طرفین می‌توانند از سایر منابع حقوق تجارت بین‌الملل مانند عرف‌های تجاری، اصول کلی، اصول حقوقی بازرگانی نیز به عنوان قانون قابل اعمال بر قرارداد انتخاب نمایند، مشروط بر اینکه با قواعد آمره کشور مقرر دادگاه برخورد ننماید. قانون حاکم بر قراردادها را می‌توان به طور صریح، به صورت یک شرط در قرارداد ذکر نمود. اراده صریح طرفین معمولاً نیازمند تفسیر نیست و از جمله مهمترین طرق تعیین قانون حاکم بر قراردادها انتخاب صریح می‌باشد. هنگامی که قانون حاکم بر قرارداد به طور ضمنی انتخاب شود، باید به موجب اوضاع و احوالی که قرارداد در آن شکل گرفته است، قانون حاکم استنباط شود.

منابع

- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: انتشارات سمت.
- افضلی مهر، مرضیه و وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۹۵)، تحول مفهومی ضوابط تعیین قانون حاکم بر قراردادها در حقوق بین‌الملل خصوصی، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۳.
- صادقی صدیق، مریم (۱۳۹۷)، بررسی حقوقی قانون حاکم بر عقود و قراردادها، فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار، دوره اول، شماره دوم.
- الماسی، نجاد علی (۱۳۸۹)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: انتشارات میزان.
- الماسی، نجاد علی (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چ ۱۴، تهران: انتشارات میزان.
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۳)، حقوق تجارت بین‌الملل در نظام حقوقی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۹)، ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران، دو فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۱-۳۲.
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۴)، تعارض قوانین در قراردادها، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲.